

«صلاحیت دولتها و انواع آن»

کلیات. صلاحیت^۱ جنبه خاصی از حاکمیت^۲ است و حاکمیت عبارتست از توانایی عهوهی حقوقی دولت^۳. صلاحیت به قدرت دولت بر اشخاص، اموال و امور اشاره دارد. این قدرت ممکن است جنبه قانون-گذاری بر افراد - اموال و امور داشته باشد و یا جنبه اجرایی، مانند توقیف اشخاص و اموال، یا رسیدگی به دعاوی توسط محاکم. باید بین اعمال قدرت اجرایی و اعمال قدرت قضایی (صلاحیت محاکم) تفکیک قایل شد زیرا اگر در کشوری جرمی اتفاق بیفتد، بنابراین سرزمینی بودن جرم، دادگاه کشور مربوط صالح برای رسیدگی به آن جرم است ولی پلیس آن کشور نمی تواند مثلاً وارد خاک کشور همسایه شده مجرم را دستگیر و برای محاکمه به کشور خود بیاورد، بلکه در این مورد باید از مقامات کشور همسایه تقاضای استرداد متهم را بنماید.

نقطه آغاز در این بحث، فرض «سرزمینی بودن صلاحیت» است. به موجب اصل سرزمینی بودن صلاحیت، هر دولتی حق دارد نسبت به اشخاص و اموالی که در سرزمینش قرار دارند، یا اهوری که در محدوده

★ استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران .

1- Jurisdiction

2- Sovereignty

3- Ian Brownlie, *Principle of Public International Law* (Oxford, 1979), 298,

قلمروش اتفاق می‌افتند، اعمال صلاحیت کند. باید بین موضوع صلاحیت و مبنای سرزمینی ارتباط اصیل و واقعی وجود داشته باشد و منافع معقول در رابطه با حقوق کشورهای دیگر رعایت شود.^۱

دولت‌های انگلیس و ایالات متحده مبنای صلاحیت را اصل سرزمینی بودن قرار داده‌اند، در حالی که کشورهای قاره اروپا نظر وسیع‌تری درباره صلاحیت خود دارند. به‌علت سهولت رفت و آمد از مرزها و پیشرفت ارتباطات، اموری که جنبه بین‌المللی دارند، افزایش یافته‌اند. همین‌طور با بین‌المللی شدن جرایم، مانند «قاچاق مواد مخدر» و «جعل اسکناس»، گرایش در جهت اعمال صلاحیت بر مبنایی به‌جز سرزمین، افزایش یافته است.

طبق رأی دادگاه دایمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کشتی «لوتوس»، «حقوق بین‌المللی محدودیتی برای صلاحیتی که یک کشور ممکن است به‌خود اختصاص دهد قایل نشده است، مگر با قاطع‌ترین ادله بتوان ثابت کرد که این محدودیت به‌عنوان یک اصل در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. در واقع دولتی که منکر وجود صلاحیت است باید ثابت کند که اعمال صلاحیت غیر موجه و خلاف حقوق بین‌الملل است»^۲. ولی یک محدودیت عملی درباره اعمال صلاحیت وسیع

1- M. Akehurst, "Jurisdiction in International Law" *British Yearbook of International Law*, Vol. 46, Jurisdiction 972 - 3, pp. 145 - 177.

۲- دعوی مربوط بود به تصادم کشتی باربری ترک بنام «بوزکورت» و کشتی فرانسوی بنام «لوتوس» (Loutus) که در اثر غفلت افسر دیده‌بان فرانسوی حادث شد و منجر به غرق کشتی ترک و تلفات جانی شد. کشتی فرانسوی به‌راه خود ادامه داد و در استانبول، دادگاه ترکیه به استناد قانون کیفری خود، افسر فرانسوی را به قتل غیر عهده محکوم کرد. این قانون به دادگاه ترکیه صلاحیت می‌داد که اتباع بیگانه را که در خارج از ترکیه، مرتکب جرم علیه ترکیه یا اتباع آن کشور می‌شوند، محاکمه کند. دولت فرانسه مدعی شد که قانون مزبور به دلیل مغایرت با حقوق بین‌المللی بی اعتبار است، لذا دو دولت موافقت کردند که موضوع برای تعیین تکلیف به دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی ارجاع شود. دادگاه با رأی نصف بعلاوه یک بقیه حاشیه در صفحه بعد

به وسیله يك دولت معین وجود دارد و آن اینکه هیچ دولتی در صدد برنمی آید بر اشخاص، اشیاء یا اموری که هیچگونه ارتباطی با آن دولت ندارند، اعمال صلاحیت کند. از آن جا که اشخاص یا اشیایی که در سرزمین يك دولت قرار دارند به آن دولت مربوط می شوند، لذا صلاحیت سرزمینی، قاعده ای کلی و معمول است.

صلاحیت سرزمینی (یادرون مرزی): اعمال صلاحیت دولت بر اموال، اشخاص و امور واقعه در سرزمین خود، در حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است. در بریتانیا صرف حضور فیزیکی شخص یا شیئی در آن کشور برای جلب صلاحیت کفایت می کند، بدون اینکه نیازی به اقامت داشته باشد. بنابراین به موجب اصل صلاحیت گذرا^۱، چنانچه شخصی در حال عبور از سرزمین بریتانیا باشد، می توان با ابلاغ اوراق قضایی به او، وی را در دادگاه بریتانیا تحت محاکمه قرار داد^۲.

بعلاوه فرض بر این است که قانونگذار قصد داشته که قانونی که وضع می کند از حیث اجرا محدود به اشخاص و اموال و اموری باشد که در سرزمین آن کشور قرار دارند، مگر آن که خلاف آن پیش بینی شده باشد و قوانین نیز با این نیت فرضی مقنن تفسیر می شوند و در ایالات متحده نیز قاعده

بقیه حاشیه از صفحه قبل

(رای رئیس دادگاه) اعلام کرد که «هیچیک از قواعد حقوق بین الملل، دادگاه ترکیه را از احراز صلاحیت در قضیه مطروحه منع نمی کند، زیرا آثار عمل خلاف ناخدای فرانسوی به کشتی ترکیه سرایت کرده است.» (P.C.I.J. Rep., 1927, Series A., No. 10) یکی از قضات دادگاه به نام قاضی مور Moor ضمن قبول اصل صلاحیت عینی نظر داد که قانون کیفری ترکیه خلاف اصول مسلم حقوق بین الملل است، چون تبعه يك کشور هنگام سفر به کشور دیگر، حقوق کشورش را برای حفاظت خود به همراه می برد زیرا در غیر این صورت، تبعه يك کشور بیگانه ممکن است ظرف يك ساعت به طور ناخود آگاه تحت عملکرد قوانین کیفری بیگانه قرار گیرد. نگاه کنید به :

J. L. Brierly, *The Law of Nations*, (Oxford, 1963). p. 302.

و نیز براونلی، پیشین، ص. ۴۰۲.

1- *Transient Jurisdiction*.

2- J.G. Starke, *Introduction to International Law* (Butterworths, 10th. ed., 1989), 290.

تفسیر مشابهی وجود دارد.

گسترش صلاحیت سرزمینی :

علاوه بر قسمت خشکی، دریای سرزمینی^۱ و بنادر^۲ و کشتی^۳ در دریا، جزو قلمرو و یک دولت محسوب می‌شود. علاوه بر اینها، گاهی گسترش اصل صلاحیت سرزمینی لازم می‌آید و آن در موردی است که برخی عناصر تشکیل دهنده یک عمل یا جرم خارج از سرزمین یک دولت اتفاق می‌افتد و لذا برای توجیه اقدام دولت، گسترش صلاحیت سرزمینی لازم می‌آید. به علت گسترش و تسهیل ارتباطات، گاهی اتفاق می‌افتد که مقدمه و تدارک جرم در یک کشور و وقوع آن در کشور دیگر صورت می‌گیرد. برخی دولت‌ها از تعقیب یا مجازات اینگونه اعمال و افعال کمکی و اولیه، به این دلیل که اصل جرم در جای دیگر ارتکاب شده خودداری می‌کردند. ولی تعدادی از دولت‌ها اقدام به گسترش صلاحیت خود زیر عنوان «صلاحیت ذهنی سرزمینی»^۴ کرده‌اند، و جرایمی را که در سرزمین آنها آغاز ولی در سرزمین دولت دیگر تکمیل شده یا به نتیجه رسیده است تحت تعقیب و مجازات قرار داده‌اند. گرچه این اصل به طور عام مورد قبول دولت‌ها قرار نگرفته ولی با امضای مقاوله‌نامه‌هایی چند، اصل مزبور در مواردی خاص جزو حقوق بین‌الملل شده است. از اینگونه است دو مورد زیر :

۱- مقاوله‌نامه ژنو برای مبارزه با جعل اسکناس^۵ (۱۹۲۹).

۲- مقاوله‌نامه ژنو برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر^۶. (۱۹۳۶)

1- Territorial Sea

2- Ports

3- Ships

4- Subjective Territorial Principle.

5- The Geneva Convention for the Suppression of Counterfeiting Currency (1929).

6- The Geneva Convention for the Suppression of the Illicit Drug Traffic (1936).

به موجب این مقاوله نامه، دولت های عضو متعهد شده اند که تبانی و مواضعه برای ارتکاب و شرکت عمدی در ارتکاب جعل اسکناس و ارز و قاچاق مواد مخدر را، قطع نظر از محل نهایی ارتکاب جرم، مجازات کنند. به علاوه شروع به ارتکاب و نیز کمک و معاونت. قابل مجازات شناخته شده و نیز برخی اقدامات مشخص به عنوان جرم جداگانه و مستقل، در نظر گرفته شده و نه به عنوان معاونت در ارتکاب جرم اصلی که در جای دیگر صورت گرفته است. همچنین کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان مصوب ۲ دسامبر ۱۹۸۸، در ماده ۴، صلاحیت وسیعی را برای مبارزه علیه مواد اعتیاد آور به دولتها داده است.

اصل عینی صلاحیت سرزمینی^۱:

بر اساس این اصل، برخی دولتها، صلاحیت خود را به جرایم یا اعمالی که در کشور دیگر شروع شده ولی در سرزمین آنها کامل شده یا به نتیجه رسیده است و یا برای نظم اجتماعی و اقتصادی داخل سرزمین آنها زیان آور بوده، اعمال کرده اند. به گفته پروفیسور «هاید»^۲، در مواردی که عملی که در خارج شروع شده، مستقیماً آثار زیان آوری برای یک کشور داشته باشد، کشور اخیر می تواند عامل یا مرتکب را هنگامی که وارد قلمروش می شود تحت تعقیب قرار دهد.^۳

اصل عینی صلاحیت نیز در کنوانسیون های بین المللی فوق الذکر منعکس گردیده و توسط محاکم انگلیس و آمریکا و آلمان به رسمیت شناخته شده است، ولی بهترین نمونه اعمال آن در رای دیوان دایمی دادگستری بین المللی در دعوی لوتوس (۱۹۲۷) است. چنانکه قبلاً گفته شد بین کشتی پستی فرانسوی لوتوس و کشتی باربری ترک در دریای آزاد به علت غفلت فاحش افسر دیده بان فرانسوی تصادم رخ داد و در نتیجه کشتی ترک

1- Objective Territorial Jurisdiction.

2- Hyde.

۳- نقل از استارک، منبع پیشین، ص ۲۰۵.

غرق و هشت ملوان ترك مفقود شدند. مقامات تركیه افسر فرانسوی را تحت پیگرد قرار دادند و مبنای صلاحیت خود را این امر بیان داشتند که در اثر غفلت از جانب افسر مربوط، آثار زیانباری برای کشتی ترك به وجود آمده است و مانند آن است که این آثار متوجه يك قسمت از سرزمین تركیه شده است. در این پرونده اکثریت اعضای دادگاه رأی دادند که اقدام مقامات تركیه با حقوق بین الملل مغایر نبوده است.⁴

اصل صلاحیت عینی نقش مهمی در رابطه با اعمال صلاحیت نسبت به شرکت‌های چند ملیتی یا به عبارت دیگر فراملی (Transnational) دارد. در این جا اعمال صلاحیت عینی به معنی آن خواهد بود که هر کشور فقط آن فعالیت‌ها و اعمالی را که در داخل مرزهایش صورت می‌گیرد، تنظیم نماید. این امر ممکن است از يك سو يك شرکت را تابع رژیمهای حقوقی متضاد کند و از سوی دیگر به شرکت امکان دهد از مسئولیت برای اعمالی که اجزای آن در هر يك از کشورهای محل فعالیت‌اش قانونی بوده ولی در مجموع غیر قانونی می‌باشد، بگریزد...

بنابراین از سوی سازمان ملل متحد و سازمانهای اقتصادی بین‌المللی کوشش شده است مقرراتی (Code of Conduct) برای نحوه فعالیت اینگونه شرکت‌ها، تنظیم گردد. يك راه حل در مورد فوق، اعمال صلاحیت عینی است یعنی کشوری که در سرزمین او آثار تصمیمات متخذه در مرکز اصلی شرکت حادث می‌شود، اعمال صلاحیت کند. مثلاً علیه کارکنان یا اموال شعبه که در محل واقع است. راه حل دیگر آنست که شعبه را مانند خود کمپانی اصلی تلقی کنیم تا دولتی که شعبه فرعی در آن واقع است

4- The Lotus Case, France v. Turkey (1972). P.C.I.J. Reports Series A, No. 10; see also D.J. Harris, Cases and Materials on Int'l law, third.

بتواند طبق نظریه گسترش تابعیت^۱، به شرکت مادر اعمال صلاحیت کند، این امر همانند اعمال صلاحیت به شعبه فرعی، تلقی می‌شود. اعمال صلاحیت برون مرزی بر شرکت اصلی مبتنی بر اصل تابعیت واحد شرکتهای فراملی مرتبط بهم است و بدین ترتیب هویت جداگانه شرکتهای ادغام شده نفی می‌گردد.

صلاحیت بر حسب آثار و نتایج^۲ :

در ایالات متحده محاکم فدرال به ویژه در مورد قوانین ضد تراست مبادرت به اعمال صلاحیت برون مرزی بر اساس آثار یا نتایج حاصل در داخل ایالات متحده می‌نمایند (اثرات اقتصادی و غیره). این صلاحیت بر حسب آثار به وسیله برخی از کشورها از جمله بریتانیا و استرالیا مورد اعتراض قرار گرفته است و قوانینی برای مقابله با اجرای احکام و سایر امور قضایی مرتبط با آن تصویب کرده‌اند.

صلاحیت سرزمینی همانقدر که در مورد شهروندان اعمال می‌شود در مورد بیگانگان نیز قابل اعمال است. بنابراین، تبعه بیگانه نمی‌تواند به صرف اینکه بیگانه است از شمول قوانین محلی مستثنی گردد، مگر آنکه بتواند ثابت کند که:

- ۱- به دلیل برخی مصونیت‌های ویژه (مانند مصونیت نمایندگان سیاسی و کنسولی) تابع قوانین محلی نیست.
- ۲- قانون محلی منطبق با حقوق بین‌المللی نمی‌باشد.

صلاحیت سرزمینی بر مجرمین :

بسیاری کشورها از جمله ایران نظریه سرزمینی صلاحیت کیفری را پذیرفته‌اند. کشور محل وقوع جرم بیش از هر کشور دیگری برای

1- Extension of Nationality Principle.

2- Effects Doctrine.

رسیدگی به جرم صلاحیت دارد، نه تنها از حیث اینکه نظم اجتماعی او مختل شده بلکه از حیث جمع‌آوری ادله و مبارزه با جرم، اعم از اینکه جرم به وسیله اتباع داخلی یا بیگانگان ساکن یا مقیم در کشور ارتکاب شده باشد.

ماده ۳ «قانون راجع به مجازات اسلامی» مصوب، ۲ مهر ۱۳۶۱، اصل سرزمینی بودن جرم را پذیرفته است و نیز بند الف همین ماده به ترتیب صلاحیت ذهنی و صلاحیت عینی سرزمینی را با عبارات زیر پذیرفته است:

«هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در خارج و نتیجه در ایران حاصل شود، آن جرم واقع شده در ایران محسوب می‌شود».

به علاوه ماده مزبور طبق اصل گسترش صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت برون مرزی، برخی جرایم مانند اقدام علیه امنیت و تمامیت ارضی کشور، جعل اسکناس و اوراق بهادار، جعل فرامین و دستخط مقامات رسمی را که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران توسط اتباع ایران یا اتباع بیگانه ارتکاب شده باشد، جرم واقع شده در ایران» محسوب دانسته است.

همچنین مأموران دولت در خارج، که دارای مصونیت سیاسی هستند، چنانچه مرتکب جرم شوند مشمول صلاحیت دولت ایران خواهند بود. و نیز طبق بند ه ماده ۳ «قانون راجع به مجازات اسلامی» کسانی که به موجب قوانین خاص یا عهد بین‌المللی هر کجا یافت شوند قابل محاکمه می‌باشند، اگر در ایران دستگیر شوند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران، محاکمه و مجازات می‌شوند». (اصل جهانی بودن صلاحیت که ملاک صلاحیت را محل توقیف متهم می‌داند)^۱.

استثناء و معافیت از صلاحیت سرزمینی :

طبقات زیر دارای مصونیت از صلاحیت سرزمینی هستند:

(الف) دولت ها و رؤسای دولتهای خارجی؛

(ب) نمایندگان سیاسی و کنسولهای دولتهای خارجی؛

(ج) کشتیهای دولتی کشورهای خارجی؛

(د) نیروهای مسلح دولتهای خارجی؛

(ه) سازمانهای بین‌المللی؛

میزان مصونیت گروههای فوق به‌رویه و عمل دولتها مربوط می‌شود و حقوق بین‌الملل آزادی عمل زیادی در تعیین حدود اینگونه مصونیت‌ها به دولتها اعطا کرده است.^۱ بحث تفصیلی در این باره را به وقت دیگر موکول می‌کنیم.

صلاحیت شخصی:

صلاحیت شخصی مربوط به خصوصیت و کیفیتی است که در شخصی که موضوع صلاحیت قرار می‌گیرد، وجود دارد، مانند رابطه تابعیت. بنابراین دولتی که تبعه خود را تحت تعقیب قرار می‌دهد، صلاحیت شخصی خود را بکار برده است (اصل تابعیت فعال)^۲. اصل مزبور با اصلی که در حقوق استرداد وجود دارد، مرتبط است و آن اینکه هیچ دولتی ملزم نیست تبعه خود را برای جرمی که در خارج مرتکب شده است به دولت دیگر تسلیم کند.

صلاحیت شخصی جنبه دیگری نیز دارد و آن موردی است که تبعه دولت در خارج مورد صدمه و زیان قرار گرفته باشد و دولت سرزمینی از تعقیب و مجازات متخلف خودداری نماید. در این صورت هنگامی که متخلف در اختیار دولت متبوع فرد متضرر قرار گرفت، قابل تعقیب و

1- J.G. Starke, *op. cit.*, 210.

2- Active Nationality Principle.

مجازات می‌باشد^۱. مبنای این اصل عبارت از حق هر دولت است که از اتباع خود حمایت کند و چنانچه متخلف در اختیار او قرار گرفت نسبت به محاکمه و مجازات او اقدام کند.

اصل صلاحیت حمایتی^۲ :

هر دولتی حق دارد نسبت به جرایمی که علیه امنیت و استقلال و منافع حیاتی اقتصادیش صورت می‌گیرد، اعمال صلاحیت کند. این اصل که به اصل صلاحیت حمایتی معروف است در غالب قوانین جزایی کشورها از جمله ایران، موجود است. توجیه اینگونه صلاحیت، شدت مخاطره و صدمه‌ای است که متوجه امنیت و منافع یک کشور می‌شود. به علاوه از آنجا که متخلف، مرتکب نقض مقررات کشور محل ارتکاب جرم، نشده است ممکن است از مجازات بگریزد یا به علل سیاسی از استرداد وی خودداری شود. البته اشکال این نوع صلاحیت آن است که هر کشوری ممکن است خطرات و صدمات را طبق سلیقه خود تفسیر و قضاوت کند.

صلاحیت عام یا جهانی^۳ :

جرمی که تابع صلاحیت عام یا جهانی است جرمی است که تحت صلاحیت همه دولت‌ها قطع نظر از محل ارتکاب آن قرار می‌گیرد. چون اینگونه جرایم علیه جامعه بین‌المللی تلقی می‌شود^۴، همه دولت‌ها حق تعقیب و مجازات متخلف را دارند. هدف صلاحیت عام یا جهانی آن است که اینگونه جرایم بدون مجازات نمانند. از جمله موارد مسلم جرایم جهانی دو مورد زیر است :

1- Passive Nationality Principle.

2- Protective Principle.

3- Universal Jurisdiction.

4- Delict Jure Gentium.

۱- دزدی دریائی (Piracy)

۲- جرائم جنگی (War Crimes)

علی القاعده باید با توجه به کنوانسیونهای مربوط، هواپیما ربائی و تروریسم را نیز در زمره اینگونه جرایم تلقی کرد.^۱

تمام دولت‌ها حق دارند دزد دریایی را در دریای آزاد توقیف و قطع نظر از تابعیت و محل ارتکاب جرم، مجازات کنند. اصل جهانی بودن مجازات مجرمین جنگی به وسیله کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو راجع به اسرای جنگی، حمایت از غیر نظامیها و پرسنل بیمار و مجروح مورد تأیید قرار گرفته است. این معنی، همچنین، به وسیله پروتکل‌های ۱۹۷۷ متمم کنوانسیون‌های ۱۹۴۹، مورد تأیید قرار گرفته است.

محاكمه آیشن توسط اسرائیل در ۱۹۶۲ که از آرژانتین ربوده شده بود، به دلیل اینکه مجرم جنگی تلقی می‌شد، به استناد صلاحیت عام و جهانی دولتها برای مجازات «جرائم جنگی» صورت گرفت.^۲

جرائم دیگری مانند خرید و فروش مواد مخدر، تجارت زنان و کودکان و جعل اسکناس، موضوع کنوانسیون‌های دیگر بین‌المللی قرار گرفته است. طبق این کنوانسیون‌ها، متخلفین یا توسط دولتی که در قلمرو آنها یافت می‌شوند مجازات شده یا تسلیم دولتی می‌گردند که صالح و علاقمند برای اعمال صلاحیت است. یک نمونه دیگر، ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری می‌باشد که توسط مجمع عمومی در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب رسید. همین معنی در مورد جرم کشتار جمعی نیز صادق است (صلاحیت با دولت محل ارتکاب یا با یک دادگاه بین‌المللی است و صلاحیت عام نیست).

۱- حمل و نقل برده از مصادیق جرایم جهانی تلقی نشده است. ر.ک. ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو درباره دریای آزاد و نیز ماده ۹۹ کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲.

2- D.J. Harris, Cases and Materials on International Law (Sweet, 3rd. ed., 1983), 223 - 30.

مسئله صلاحیت در مورد هواپیما :

به علت افزایش حجم پروازهای بین‌المللی و ثبت هواپیماهای خطوط منظم هوایی، مسایل دشواری در مورد صلاحیت نسبت به جرایمی که در هواپیمای در حال پرواز صورت می‌گیرند، پدید آمده است. علاوه بر این به علت افزایش هواپیماربایی و اقدامات تروریستی نسبت به هواپیما و مسافری آن، خطراتی که متوجه ایمنی هواپیمائی بین‌المللی کشوری شده است، افزایش یافته است.

نخستین تلاش برای مقابله با این دشواریها، تصویب کنوانسیون توکیو مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ «درباره جرایم و اعمال دیگر ارتكابی در داخل هواپیما» بود^۱. هدف کنوانسیون توکیو این بود که اولاً کسانی که در هواپیمای در حال پرواز، مرتکب جرم می‌شوند، یا اعمالی در هواپیما مرتکب می‌شوند که ایمنی و سلامت پرواز را به مخاطره می‌اندازد، به علت اینکه هیچ کشوری خود را برای بازداشت و محاکمه آنان صالح نمی‌داند، از مجازات نگریزند. ثانیاً اختیارات ویژه‌ای به خلبان هواپیما، خدمه و حتی مسافری، به منظور حفاظت و انتظامات، داده شود. هواپیماهای گمرکی، پلیسی و نظامی از قلمرو این کنوانسیون مستثنی می‌باشند.

معمولاً کشوری که در قلمرو هوایی او جرم اتفاق می‌افتد برای رسیدگی به این جرائم صلاحیت دارد. ولی ممکن است کشور مزبور به هواپیمایی که از فراز آن عبور می‌کند دسترسی نداشته باشد و یا متوجه ارتكاب جرم در آن نگردد. برای تأمین هدف اول، کنوانسیون مقرر می‌دارد که کشوری که هواپیما در آن به ثبت رسیده است برای رسیدگی به جرایم و اعمال ارتكابی در هواپیما صالح می‌باشد و باید تدابیر لازم

1- Tokyo Convention on offences and certain other acts committed on Board Aircraft.

این کنوانسیون در ۱۹۶۹ لازم‌الاجرا شد و در آخر دسامبر ۱۹۸۱ جمعاً ۱۰۶ کشور عضویت آن را داشتند. ر.ک، هریس، پیشین، ۲۳۴.

را برای اعمال صلاحیت به عنوان کشور محل ثبت هواپیما اتخاذ کند. جرایم ارتكابی در هواپیما از لحاظ استرداد در حکم جرایم ارتكابی در خاک کشوری تلقی می‌شود که هواپیما در آن به ثبت رسیده است. بنابراین، اگر متخلف به کشوری که عضو کنوانسیون است پناهنده شود و آن کشور با کشور محل ثبت هواپیما قرارداد استرداد داشته باشد و جرم ارتكابی نیز جزء جرایم مذکور در قرارداد استرداد باشد، در صورتی که تقاضای استرداد گردد، باید مسترد شود، (ماده ۱۶ کنوانسیون). این امر مانع از اعمال صلاحیت توسط کشوری که متخلف، تابعیت او را دارد یا کشوری که تبعه او از جرم ارتكابی زیان دیده است نمی‌گردد. در مورد هدف دوم، کنوانسیون به فرمانده هواپیما اجازه می‌دهد که متخلف را پیاده کند و به مقامات صالحه دولتی که عضو کنوانسیون است تحویل دهد. کنوانسیون توکیو به طور اخص با مسئله هواپیماربایی برخورد نکرده است ولی مقرراتی را، همانند رفتار با دیگر متخلفان در زمینه توقیف هواپیماربا، استرداد هواپیما به فرمانده آن، و تداوم سفر مسافران و خدمه هواپیما، پیش‌بینی کرده است.^۱

با گسترش دامنه هواپیماربایی، کنوانسیون جدیدی در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ بنام «کنوانسیون جلوگیری از توقیف غیرقانونی هواپیما» در لاهه به تصویب رسید.^۲ این کنوانسیون در ۱۹۷۱ لازم‌الاجرا شد و دولت ایران در ۱۹۷۳ به آن ملحق گردید.

کنوانسیون مزبور، پس از تعریف هواپیماربایی در ماده اول، کشورهای عضو را متعهد می‌سازد که برای هواپیماربایی مجازاتهای

1- Brownlie, *op. cit.*, 319 - 20; Starke, *op. cit.*, 236 - 41.

2- Hague Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, s970.

★ - کنوانسیون مشابهی در زمینه «مبارزه با اقدامات غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی» در ۱۰ مارس ۱۹۸۸ به تصویب رسیده است.

شدیدی تصویب نمایند. در ماده یک، هواپیماربایی بدین گونه تعریف شده است:

«توقیف یا کنترل هواپیمای در حال پرواز یا شروع به این اعمال یا معاونت در انجام آن، بطور غیرقانونی، با زور یا تهدید یا هر نوع ارعاب دیگر».

بر طبق ماده ۴، دولت‌های عضو در موارد زیر دارای صلاحیت می‌باشند.

- ۱- کشور محل ثبت هواپیمایی که جرم در آن اتفاق افتاده است.
- ۲- هنگامی که هواپیمای ربوده شده در سرزمین یک دولت عضو فرود آید و متهم به هواپیماربایی در آن باشد.

- ۳- وقتی که جرم در هواپیمایی ارتکاب شده باشد که بدون خدمه به شخصی که مرکز اصلی امور یا اقامتگاه او در یک کشور عضو کنوانسیون است به‌جا رده داده شده باشد. کنوانسیون ناظر به هواپیمایی کشوری است، خواه پرواز داخلی باشد یا بین‌المللی، و شامل هواپیماهای نظامی یا گمرکی یا پلیس نمی‌شود. بر طبق ماده ۶ دولت‌های طرف کنوانسیون مکلف‌اند متهم به هواپیماربایی را که در سرزمین آنها حضور دارد توقیف نمایند و کسانی را که مشمول قرارداد استرداد نمی‌شوند تحت پیگرد و محاکمه قرار دهند و نیز جرم هواپیماربایی را در فهرست جرایم قابل استرداد قرار دهند (مواد ۶ و ۷). کنوانسیون لاهه بعداً به وسیله کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه ایمنی در هواپیمایی کشوری، که در ۲۳ سپتامبر در مونترال به تصویب رسید، تکمیل گردید (ایران در ۱۹۷۳ به این کنوانسیون ملحق شده است). کنوانسیون مونترال علاوه بر هواپیما-ربایی، سایر اعمال خشونت‌آمیز علیه هواپیمایی کشوری، مانند خرابکاری، بمب‌گذاری، یا حملات مسلحانه، را نیز در بر می‌گیرد. همین‌طور، به جای فرمول هواپیمای در حال پرواز، هواپیمای در حین خدمت، ملاک عمل قرار گرفته است که شمول آن را وسیع‌تر می‌کند. در مورد هواپیما، کنوانسیون مونترال ناظر به جرایمی است که جنبه بین‌المللی داشته باشد، یعنی محل پرواز یا فرود هواپیما خارج از قلمرو کشور محل ثبت هواپیما

باشد یا جرم ارتكابی علیه هواپیما در کشور دیگری بجز محل ثبت هواپیما رخ داده باشد. همچنین کنوانسیون، در صورتی که متهم در قلمرو کشوری که محل ثبت هواپیما نیست، یافت شود، قابل اجرا می‌باشد. به موجب سایر مواد کنوانسیون، کشورهای عضو متعهد شده‌اند برخی جرایم را برابر قوانین کیفری خود مجازات کنند. از جمله در مواردی که جرم در سرزمین آنها ارتكاب شود یا در هواپیمایی که در کشور آنها به ثبت رسیده است اتفاق افتد و همچنین متعهد می‌شوند که با یکدیگر همکاری داشته باشند و اطلاعات لازم را مبادله کنند. بنابراین مقررات کنوانسیون لاهه در مورد توقیف متهم، استرداد و تعقیب و گزارش به سازمان هواپیمائی کشوری بین‌المللی (ICAO)، در کنوانسیون مونترال تکرار شده است. علاوه بر کنوانسیون‌های توکیو، لاهه و مونترال، هواپیماربایی به موجب قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۷۰ محکوم شده است.^۱ این قطعنامه، از جمله، از دولت‌ها خواسته است که افرادی را که موجب اخلال در امر هواپیمایی کشوری می‌شوند تحت تعقیب و مجازات قرار دهند یا، طبق مقررات، اقدام به استرداد آنان نمایند و نیز موجبات ایمنی خدمه و مسافران را، در صورتی که هواپیما در سرزمین آنها فرود آمده باشد، و نیز استرداد هواپیما را به مالک قانونی آن فراهم آورند. قواعد مشابهی در مورد صلاحیت، در کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۷۹ علیه گروگان‌گیری به تصویب رسیده است که هدف آن مبارزه با تروریسم بین‌المللی است. طبق این کنوانسیون کشورهای عضو باید جرم گروگان‌گیری را در قوانین خود پیش‌بینی کنند و افراد متهم را تحت تعقیب و مجازات قرار دهند یا موجبات استرداد آنان را فراهم کنند.

1- Resolution 2645 (XXV).